

محمدباقر مؤمن زاده

مأموریت مؤمن زاده که در تاریخ ۹ خرداد ۷۶ به عراق آمده به صورت زیر بود:

- جمع آوری اطلاعات نظامی و حفاظتی از ارتش آزادیبخش و به طور خاص اطلاعات از قسمت کامپیوتر ارتش؛

- در صورت اعزام به مأموریت داخل کشور، اطلاعات واحد را سریعاً به رژیم برساند؛

- در شرایط بسیار ضروری مانند شروع عملیات بزرگ یا خبرهایی از این قبیل باید از طریق تماس با سفارت اطلاعات را به آنها برساند؛

- خرابکاری در تجهیزات و تأسیسات ارتش آزادیبخش.

مؤمن زاده قبل از دستگیری در سال ۶۲ هوادار مجاهدین بوده است. وی پس از دستگیری، به ۱۵ سال حبس محکوم می شود و تا آذر ۶۷ به مدت ۵ سال در زندان بوده و از همان اوایل با دشمن در زندان همکاری می کند. مؤمن زاده با لودادن زندانیان مقاوم باعث شکنجه و اعدام بسیاری از آنها می شود.

وی از اوایل ۶۷ تحت نظر علی رضوانی، شکنجه گر زندان اوین قرار می گیرد. علی رضوانی از او می خواهد که در پستهای بازرسی شرکت کند و او می پذیرد. تا آذر ۶۷ در پستهای بازرسی چاه بهار، بوئین زهرا، مردآباد و ... شرکت کرده است.

پس از آزادی از زندان محمد توانا از مأموران وزارت اطلاعات در تهران رابط او بوده و محللهای مأموریت او را مشخص می کرده است.

وزارت اطلاعات در سال ۷۰ مؤمن زاده را وارد دانشگاه آزاد بوشهر (در رشته الکترونیک) می نماید.

در دیماه ۷۵ عزیزی مسئول اعزام نفوذی در اداره اطلاعات بوشهر (با نام مستعار امامی) در ستاد خبری اداره اطلاعات، با مؤمن زاده صحبت کرده و او را برای مأموریت نفوذ در ارتش آزادیبخش در نظر می گیرد.

در اسفند ۷۵، مؤمن زاده به همراه عزیزی به تهران آمده و در هتل استقلال با علی صفایی (مشهور به علی شل، مسئول آموزش و اعزام نفوذی در وزارت اطلاعات در تهران) ملاقات می کنند. صفایی که برای ارزیابی مؤمن زاده آمده بود درمورد مأموریت با او صحبت و او را مورد ارزیابی قرار می دهد. بعد از پایان صحبتها طرح سفیدسازی برای

مؤمن زاده مشترکاً ریخته می شود و بعد از آن عزیزی و مؤمن زاده به بوشهر باز می گردند. هفته بعد، صفایی طی تماسی از مؤمن زاده می خواهد که به تهران آمده و با شماره ۲۳۷۰۰۹ با او تماس بگیرد. در تهران مجدداً در هتل انقلاب با صفایی ملاقات می کند. صفایی می گوید «برای این مأموریت در نظر داریم یک آموزش فشرده به تو بدهیم. طی این دوران حق خروج از اتاق را نداری و فقط می توانی شبها با اقوام و آشنایان تلفنی تماس بگیری».

در ضمن برای او ماهانه مبلغ ۲۰۰ هزار تومان فوق العاده (علاوه بر حقوق جاری) تصویب می شود تا در جریان مأموریت به حسابش ریخته شود.

آموزش

آموزشهای او عبارتند از:

- چهره نگاری
- توصیف و تشخیص
- تخمین مسافت
- گزارش نویسی
- ۶ عدد نوار عدالتیان (حسن مشهدی) راجع به نفوذ
- کتابهای علی رضوانی، سعید شاهسوندی، فریدون گیلانی، نادره افشار، رضا تویسرکانی و احمد شمس حائری در آموزشها به او داده شده است.
- توجهات در مورد تنظیم رابطه در مناسبات.
- بعد از پایان آموزشها، صفایی از او یک تعهدنامه با قید این که مأموریت را به میل خودش پذیرفته است، می گیرد. در این تعهدنامه هم چنین آمده است که چنان چه در حین مأموریت اتفاقی بیفتد، مسئول، خود مؤمن زاده است.

ارتباطات

- ارتباطات مؤمن زاده در داخل به صورت حضوری یا از طریق تلفن ۲۳۷۰۰۹ - با علی صفایی در تهران برقرار می شد.
- اگر به خارج کشور می رفت باید از طریق شماره تلفن ۸۰۸۵۷۴۷ یا ۸۹۸۵۷۴۷ با فریدی، تماس گرفته و پیغام می گذاشت؛

- در ایلام کد مهرداد ۱۳۷۳ به او داده می شود. به او گفته شده بود که: «این کد را اگر توسط نیروهای نظامی و انتظامی دستگیر شدی نباید بگویی، فقط باید بگویی که من می خواهم به اطلاعات وصل شوم و بعد این کد را می دهی».

اعزام

او به ایلام آمده و با «نعمت» در اداره اطلاعات ایلام تماس می گیرد. در ایلام به هتل دالاهو می رود. سپس او را از هتل دالاهو به یک خانه امن متعلق به اداره اطلاعات ایلام می برند. سپس علی صفایی همراه با یک نفر دیگر، با ماشین پراید سفید، به آن جا می آیند. «نعمت» در این خانه از مؤمن زاده مصاحبه تلویزیونی می گیرد. در این مصاحبه از او می خواهند که بگوید خودش بدون زور و اجبار به مأموریت رفته و کلیه عواقب آن را به عهده می گیرد. سپس به دنبال توجیهات کامل برای عبور از مرز، به همراه یک اکیپ، ابتدا به یک خانه امن در دهلران آمده و از آن جا در تاریخ ۹ خرداد ۷۶ تا نزدیکی مرز همراهی می شود و بعد خودش به پاسگاه عراقی آمده و خود را به عنوان هوادار مجاهدین معرفی می نماید.

سند شماره ۱

بسم الله الرحمن الرحيم
 در این سند آمده که در روز ۲۲ بهمن ۱۳۳۴، در محل اجتماع
 آقایان: ...
 در این جلسه ...
 به این نتیجه رسیدند که ...
 در تاریخ ۲۸ بهمن ۱۳۳۴ ...
 در این سند آمده که ...
 در تاریخ ۲۸ بهمن ۱۳۳۴ ...

در این سند آمده که ...
 در تاریخ ۲۸ بهمن ۱۳۳۴ ...

سند شماره ۲

در این سند آمده که ...
 در تاریخ ۲۸ بهمن ۱۳۳۴ ...

سند شماره ۳

در این سند آمده که ...
 در تاریخ ۲۸ بهمن ۱۳۳۴ ...

اینجانب محمداقرا مؤمن زاده فرزند منصور متولد ۱۳۴۴/۱۱/۲۳ در شیراز دارای شماره شناسنامه ۱۳۷۳ صادره از شیراز اعتراف می‌نمایم که توسط وزارت اطلاعات رژیم خمینی به منظور جاسوسی و جمع‌آوری اطلاعات سیستم کامپیوتری سازمان، خرابکاری و ضربه زدن به ارتش آزادیبخش فرستاده شده بودم. پس از آموزشها و توجیهات مزدوران اطلاعات رژیم خمینی در بوشهر و تهران به ایلام فرستاده شده و در تاریخ ۷۶/۳/۸ از معبر سنگر نادر در استان ایلام به داخل خاک عراق فرستاده شدم.

در عراق خود را بعنوان هوادار سازمان مجاهدین خلق به مقامات و مأمورین عراقی معرفی کردم اکنون به خیانت خود پی برده و از مجاهدین طلب عفو و بخشش دارم

نام و نام خانوادگی محمد باقر مؤمن زاده

آموزشها: نظامی:

تخریب و ترور: —

تعقیب و مراقبت و ...: —

ارتباطی و وسایل فنی: —

ضدبازجویی: —

تشخیص و توصیف: یک جزوه ۱۰ صفحه‌ای همراه با شکل در رابطه با اینکه چگونه میشود سن افراد را تخمین زد.

محمدباقر مؤمن زاده

۷۶/۷/۲۴

— مأموریت

شعارنویسی در پشت دیوارها برای تضعیف روحیه افراد

اگر توانستم که خودشان گفتند حداقل ۵ سال طول می‌کشید دستیابی به قسمت کامپیوتر. اگر به

مأموریت خارج آمدم با شماره تلفن ۸۰۸۵۷۴۷ یا ۸۹۸۵۷۴۷ تماس بگیرم.

نبی جودی

نبی جودی، متولد ۱۳۴۸ اهل بیله سوار مغان، زندانبان نیروی انتظامی، در پاییز ۷۳، پس از ۶ سال همکاری با وزارت اطلاعات، در تاریخ اول خرداد ۷۴ برای نفوذ به ارتش آزادیبخش از مرز عبور کرده و به عراق می‌آید.

مأموریت نبی جودی عبارت بود از:

- ترور فرماندهان ارتش آزادیبخش در هر فرصتی که بتواند؛

- تخریب تأسیسات، تسلیحات و تجهیزات؛

- جمع‌آوری اطلاعات نظامی و حفاظتی.

وزارت اطلاعات از سال ۶۷ از نبی جودی به عنوان راه‌بلد، برای تردد مخفیانه مزدوران رژیم از مرز جمهوری آذربایجان استفاده می‌نمود. وی در چندین نوبت مزدوران مسلح رژیم از جمله چند پاسدار به نامهای رضایی، داریوش جباری، مختار عزیزی و ... را از مرز عبور داده و به آذربایجان برد.

در سال ۶۹ او به سازمان زندانها منتقل شده و در همان زمان در زندان اوین دوره آموزش ضد شورش دید. در سال ۷۰ به زندان مرکزی ایلام منتقل شد و در سمت افسر نگهبان زندان کار می‌کرد. شرکت او در اعدام یک سرباز مسجل است و در دستگیری شماری از هواداران مجاهدین هم شرکت داشته است.

جودی بعداً از زندان مرکزی ایلام به زندان سنندج منتقل شد و کارهای مختلفی را بر عهده داشت.

نبی جودی در پی تخلفاتی که در کار زندانها داشت، در سال ۷۳ دستگیر و در اصفهان زندانی گردید و در همان جا بود که به استخدام رسمی وزارت اطلاعات درآمد. استفاده از مجرمان و زندانیان عادی برای جاسوسی و انجام جنایت یکی از روشهای معمول ساواک آخوندی است.

ابتدا در زندان علی صفایی و یکی دیگر از مأموران اعزام نفوذی در وزارت اطلاعات به نام «سید»، او را مورد ارزیابی قرار دادند سپس برای سفیدسازی او، طرحی به اجرا درآوردند. بر اساس این طرح او پس از یک جابه‌جایی در زندان، خود را هوادار مجاهدین معرفی کرد. در میان زندانبانها، فقط سرتیپ ۲ زنجیره‌ای، مدیرکل زندانهای

اصفهان، در جریان رابطه نبی جودی با وزارت اطلاعات قرار داشت. مأموران وزارت اطلاعات در پرونده جودی عبارت «گروهک رجوی» را برای سفیدسازی او وارد نموده و در بین زندانیان، شایع می‌کند که نبی جودی اعدامی است. بر همین اساس، چندبار او را تحت عنوان بازجویی و دادگاه، از زندان خارج می‌کنند. سرانجام جودی در اسفند ۷۵، ظاهراً با حکم احضار دادرسی انقلاب، از زندان خارج شده و به وسیله نفرات اداره اطلاعات فراری داده می‌شود. در بین زندانیان شایع می‌کنند که او سیاسی بوده و فرار کرده است. بعد از فراری دادن مزدور جودی، رئیس زندان و مسئولان مربوطه مورد بازخواست قرار می‌گیرند تا فرار او کاملاً طبیعی تلقی شود.

آموزش

نبی جودی بعد از فرار ساختگی از زندان، آموزشهای زیر را طی مدت چهار ماه در تهران دیده است.

- آموزش عملیات تروریستی و خرابکاری؛
- آشنایی با انواع بمب؛
- بمبگذاری روی انواع سلاحهای سنگین و سبک بمبگذاری در داخل تانک و ماشینهای سنگین و هلیکوپتر (به منظور تخریب)؛
- بمبگذاری در داخل رادیو و تلویزیون و ...
- ریختن سم در مواد غذایی؛
- ساختن مواد آتشزا؛
- ساختن قرصهای سمی؛
- آشنایی با انواع سلاحهای سبک و سنگین.

آموزشهای جاسوسی

- جمع آوری اطلاعات پنهان و آشکار؛
- تعقیب و مراقبت سوژه؛
- تعقیب و مراقبت ثابت و متحرک با استفاده از انواع ابزار و وسایل نقلیه؛
- آشنایی با موقعیت جغرافیایی و فیزیکی شهر مورد نظر؛

- آشنایی با قوانین و مقررات کشور مورد نظر؛
- تماس تلفنی با کد با سفارت رژیم در عراق؛
- دخول پنهانی به اماکن و وسایل نقلیه؛
- نامه نگاری رمزی.

آموزش انطباق و تثبیت در هدف

فراگیری نحوه انطباق و تثبیت در مناسبات ارتش آزادیبخش، بخش دیگری از آموزشهایی است که وزارت اطلاعات به نبی جودی داده است. این آموزشها اساساً توسط «حسن مشهدی» (مزدور محمدرضا عدالتیان) در یکی از خانه های امن وزارت اطلاعات در تهران، واقع در خیابان اندیشه غربی، پلاک ۱۵ و هم چنین در هتل بزرگ تهران و هتل شیراز، به او داده شده است. از جمله این آموزشها:

- آموزش نحوه نوشتن گزارش؛
- آموزش برخوردهای مثبت و منفی در مناسبات؛
- آموزش تاریخچه سازمان؛
- دیدن نوارهای ویدئویی؛
- پس از اتمام آموزشها، جودی مدتی در تهران در هتل شیراز (خیابان سعدی شمالی، اتاق ۵۰) مستقر می شود. طی مدت استقرار در هتل، «سیدجعفر»، «منوچهر»، «مرتضی»، و علی صفایی از وزارت اطلاعات با وی تماس داشتند.

نحوه ارتباط با سفارت رژیم در بغداد

برای تماس تلفنی قرار بود که از رمز «حمزه محمدی» استفاده شود در صورتی که او خود را با اسم اصلی معرفی می کرد به این معنا بود که لورفته و تماسش اجباری است. - شماره تلفن سفارت ۸۸۵۲۲۹۷ به او داده می شود.

- در تماس تلفنی با سفارت قرار بود از کدهای زیر استفاده شود:
- من ایرانی هستم = من در فرارگاه اشرف هستم.
 - پدر و مادرم نیز ایرانی هستند = من در فرارگاه سردار هستم.
 - من عراقی هستم = من در مقر ازهدی هستم.